

ریا و شرک

#. ریا نوعی شرک است و آن این است که میل کنی عمل خوب تو را دیگران ببینند و بر این میل عمل نمایی یا در نزد کسی گویی یا در جریده نگاری، چون در خلوت نماز کنی گونه ای بود و چون در حضور خوانی گونه ای. (تذکره ص 81)

#. برای معالجه این درد بیندیش که آن روز که از دنیا می روی کدام یک از خلائق در کار تو مؤثراند؟ اگر با دامنی پاک بر خدا وارد شوی گو همه خلائق دشمن باشند و اگر آلوده بر خداوند خویش در آیی ولو همه دوستان صمیمی، چه توانند کرد؟ (جهان ص 82)

#. آدمی خواهد که در نزد همه محبوب باشد، همه نامش برند و نیکش دانند ناچار به ریا پردازد ولی چنان دان که مردم یکی دوبار به فریب تو پی نبرند دیری نباید که تو را آنگونه دانند که هستی. ولی اگر کارت به قصد رضای خدا شد، خداوند در همین جهان هم تو را محترم کند و رفعت بخشد. (جهان ص 83)

#. ای عزیز! مردم را هر یک سلیقه ای است تو چگونه توانی به مزاج همه ره روی و کار کنی؟ در نتیجه در هر روز راهی روی و روی سوپی کنی. به هر بادی چون بیدی بلرزی و با هر نسیمی چون کاهی بلغزی. روی سوی حق آر تا از کاهی به کوهی رسی و از لغزش به ثبات در آیی و چون کاری نیک کنی بکوش تا در سر حد امکان پنهان باشد و پنهان ماند.

(جهان ص 83)

#. یک خدا بگو و دهانت را طاهر نما. تو دانی که اگر آزر، ماهی یک بت می تراشید تو روزی صد بت برای خود تراشی. ابراهیم وار

تیشه بردار و گردن این بت ها بزن و برگو که : « ائی لا احبّ الالفین
(انعام آیہ 76) » (تنگی ص 66)

مسائل و نمودار های شرک خفی بسیار وسیع و معذک نامرئی
است تا کدام سالک بصیر بر اوج اعلی پرواز نماید و از فراز آن افق،
ریزه کاری های شیطان و نفس را با خود همی بیند و از بند آن دشمنان
به در آید و تو تا توحید حقیقی را نیاموزی و به توحید ذات و صفات و
افعال پی نبری از این شرک به در نیایی. (جهان ص 67)

شرک از خدا گریختن و به خویش روی آوردن است و انس از
خویش گریختن و به خدا روی نهادن؛ چون خود همه پندار و خداوند،
هستی مطلق است. (سفر ص 119)

اگر امر به معروف یا نهی از منکر کنی و خواهی که با چند حدیث
و آیت خود نمایی، اگر در رهگذار سر به زیر افکنی و آهسته پویی تا
جزء خاشعین قلمدادت کنند، اگر احسان نمایی تا به زیّ محسنین درآیی و
به این صفتت نام برند، اگر عبادت در انبوه مردم و خلوت دو گونه
است، بدان که به زیّ مشرکان در آمده ای. (تجلی ص 44)

اگر بر افعال نیکت مردم مطلع شوند یک نحوه شادمانی در دل
حس کنی معلوم است که تو هنوز خلق را در کار عالم مؤثر دانی و این
خود گونه ای شرک است. (تجلی صفاتی ص 168)

روزی پرده بر افتد و بینی که هر چه کردی برای خلق نمودی و با
تو خطاب آید که مزد اعمال از خلق بخواه که کردارت جز برای ایشان
نبود. تا به آنجا که شیطان به آرایش اعمالت عمری مشغول و تو
خویشتن را بهترین دانستی، وای بر آن روز که از بذر این بهترین ها
بدترین ها روید. (جهان ص 169)

آنچه را در رضای حق تعالی کردی خدایش بیپرورد و به بار آورد
و صد چندانش کند و تحویلت دهد و آنچه برای مردم کردی باطل نماید و
به باد دهد و بر کنار سراب تشنه ات وا گذارد. طبعاً چنین عملی حجابی
بس بزرگ بر سر راه حقیقت است.

(همان ص 169)

ای بر سر هر سراب در مانده به آب عمری است که تشنه‌ای و جویمای سرآب
بر خلق، تو دل بسته که گنجت به بند بر گنج نشسته‌ای ولی گنج به خواب

#. ظاهریت را تابع باطن قرار ده که عکس آن ترا در پرتگاه خطرناک
شرک اندازد.

(اندیشه‌نگار ص 42)

#. دانسته باش که در هر گناهی یک نحوه شرک مستور است چرا که
آدمی می‌داند که این عمل را خداوند بر او حرام فرموده ولی هوای نفس
او را بر آن عمل مشوق است. چون از امر خداوند روی برتافت و به
تمنای هوای نفس رو نمود، شریکی برای خداوند آورده که طبعاً آن را
مطلوب تر از امر حق تعالی دانسته است. (تجلی آخر ص 127)

حذر از پیروی نفس که در راه خدا مردم افکن تر از این غول بیابانی نیست

(سعدی)

#. ای عزیز! خداوند غیور است و غیور را تاب غیر نیست زین رو
خداوند گناه نا بخشودنی را منحصرأ شرک فرمود، چه دوست داشت در
دل بنده اش جز خود چیزی نبیند. (بید باص ص 73)

#. شرک خفی جز در سایه عشق از انسان سلب نگردد، چرا که همه
دنیا در چشم انسان دنیا خواه رو به روی خدا ایستاده است و در چشم او
دلبری دارد، آشنایی با اوست که چون به آن نگری دانی که بهترین
دوست هم اوست. (همان ص 125)

#. ای عزیز! در خود بیاندیش که همه روزمان گذرگاه بر پل صراط
است که بعضی از مو باریک تر و از شمشیر تیز ترند. به ویژه در
مراتب شرک خفی تأمل کن، مبادا تو را که پا جایی گذاری که پرتگاه

جهنم بود و بدان که ذیل هر گناهی ازدهای شرک خفی است؛ به هوش
باش تا تو را نبلعد.
(کشرار عرص 254)

(سؤال از محضر استاد)

. لطف بفرمایید مرا راهنمایی کنید که باصفات بد درونی مثل
ریاچه کنم؟ قبلاً از اینکه کسی نماز شب ما را نگاه کند خوشحال می شدم
این چیزی است که در ذات ما است و نه می شود پنهانش کرد و نه می
شود جلویش را گرفت شما می فرمائید چکار کنیم؟

جواب

انسانی که دارای روح سالم است جانش متمایل به خوبی است و از
بدی هانیزار است. بیچ انسانی متمایل نیست شره به بدی هانیزار است بلکه آدمی به خوبی
مشهور باشد طبیعی است این ریانیست ریای آن است که عمل خوب را منحصر برای دیدار خلق انجام
دهد که آن ریای و شرک است. حال اگر شما در اجتماعی مثلاً عازم خواندن نماز شب هستید به دل
خود بنگرید اگر حس می کنید متمایل بر این هستید که بیچ کس شمار انبیزیت شما الهی است و لوده هانیزار
نفریدار باشند و شمار انبیزیت، ریای نیست که شمار امیل بر این است که خدا کند دیگران بیدار باشند و شمار انبیزیت.

سؤال

. به حقیر بفرمایید که شرک خفی چیست؟

جواب

ای عزیز: شرک خفی واسطه‌ها را دیدن با اعتقاد به خداوند تعالی است. اگر مادر نبود من بزرگ نمی‌شدم
اگر پدر مخارج ما را اداره نمی‌کرد ما از گرسنگی مرده بودیم، اگر این دکان نبود ما چگونه زندگی می‌کردیم. اگر
دکتر فلان مرا جراحی نمی‌کرد من مسلم مرده بودم. اینها همه شرک خفی است. با آنکه باید همه این واسطه
ها را محترم داشت ولی بدانم:

1 - قدرت و نیروی در عالم نیست جز قدرت خداوند متعال: «توحید افعال» لا حول

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

2- هیچ چیز جمال و دلبری ندارد جز اینکه دلبری از ذات حضرت باری تعالی است: «توحید

صفات» لا اله الا الله

3- هیچ ذات اصیل و خود ایستایی در عالم نیست جز ذات خداوند یکتا: «توحید ذات» يَا هُوِيَا مَنْ

لَيْسَ إِلَّا هُوَ.